



روش مواجهه با پدیده شایعه‌سازی در آیات و روایات

دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۰۷، بازنگری: ۱۴۰۴/۰۶/۲۹، پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۰۶

محمد حسین دانش کیا^۱، محسن فکری فلاح^۲

چکیده

شایعه‌پردازی به‌مثابه عامل برهم‌زننده نظم اجتماعی و تهدیدی برای امنیت فکری سازمان و جامعه نیازمند بررسی دقیق و آسیب‌شناسی عمیق است و در مواجهه با این پدیده دستیابی به الگویی مستظهر و مستند به آموزه‌های قرآنی و سیره معصومین (ع) به‌مثابه وحی مدون و مجسم شایسته و بایسته است. از این‌رو، این پژوهش می‌کوشد با رویکردی توصیفی تحلیلی و سیره‌پژوهانه به این پرسش پاسخ دهد که اساساً نوع روش معصومین (ع) در مواجهه با شایعه‌پردازی‌ها چگونه بود و چه راهکاری را برای مقابله با این پدیده برمی‌گزیدند؟ نتایج این پژوهش نشان می‌دهد در ساحت مواجهه با شایعه‌پذیران صیانت‌بخشی اندیشه‌ای و فکری به جامعه و در ساحت مواجهه با شایعه‌پردازان برخورد بازدارنده مهم‌ترین راهکار کلان حضرات معصوم (ع) در برابر شایعه‌پردازی‌ها بود.

کلیدواژه‌ها: سیره، معصومان، شایعه، شایعه‌ساز، شایعه‌پذیر، شایعه‌پردازی.

۱. دانشیار گروه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران: Daneshkia@Maaref.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری مدرس تاریخ و فرهنگ و تمدن اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول):

mohsenfekrifallah@gmail.com

۱. مقدمه

۱-۱. بیان مسئله

توجه به آسیب‌های اجتماعی پدیدار شده در جامعه همواره از دغدغه‌های مورد توجه نخبگان هر جامعه به‌شمار می‌رود که اساساً راه‌های برون‌رفت از این آسیب‌ها و تهدیدزدایی از این خطرات چگونه است. از جمله این تهدیدات رواج شایعه‌پردازی در جامعه است که از جمله خطرناک‌ترین عوامل برهم‌زننده امنیت فکری و اندیشه‌ای جامعه بوده و می‌تواند خسارت‌های جبران‌ناپذیری را بر پیکر اجتماع وارد سازد. اهمیت این موضوع به حدی است که قرآن کریم در موارد متعددی به این ناهنجاری اجتماعی پرداخته و به طریق مختلفی به آسیب‌شناسی این مسئله اقدام کرده است. کاربست واژگانی چون «مرجفون» برای افرادی که با انتشار گزاره‌های لرزه‌افکن بر پیکر جامعه سعی در ایجاد تنش و آشوب در اجتماع مؤمنین را دارند، نشانه عمق و وسعت این تهدید برای جامعه است.

از این‌رو، دستیابی به مختصات روشی و محتوایی مناسب به‌منظور مواجهه صحیح با این پدیده، از ضرورت‌های مسائل جامعه اسلامی بوده که تأمل و بررسی‌های مضاعفی را اقتضا دارد؛ چراکه شایعه به‌مثابه یک بیماری همواره سلامت جامعه را تهدید می‌کند و مقابله با آن اهتمام خاصی را می‌طلبد.

این پژوهش به روشی توصیفی تحلیلی و با رویکرد سیره‌پژوهانه در پی آن است که در حد بضاعت خود با استفاده از منابع و حیانی و تراث اهل بیت (علیهم‌السلام)، به این دغدغه بپردازد و به این سؤال پاسخ دهد که نوع روش معصومین (علیهم‌السلام) در مواجهه با پدیده شایعه‌پردازی چه بوده است. اهتمام حضرات معصوم به‌مواجهه با این پدیده در ساحت‌های گوناگونی تجلی یافته است که به‌صورت کلی در دو محور شایعه‌پذیران و شایعه‌پردازان قابل تقسیم‌بندی است. در مواجهه با شایعه‌پذیران تلاش برای رفع ابهامات و ایجاد امنیت فکری و اندیشه‌ای و در مواجهه با شایعه‌پردازان برخورد‌های بازدارنده از جمله اقدامات انجام شده است.

۲-۱. پیشینه پژوهش

تحقیقات مختلفی در زمینه بررسی ابعاد شایعه‌پردازی از ساحت‌های گوناگون به نگارش درآمده است، اما پژوهش در این زمینه با رویکرد سیره‌پژوهانه کمتر مورد توجه قرار گرفته است. هرچند آثاری با محوریت قرآن و حدیث به مسئله شایعه‌پردازی و راهکارهای مواجهه با آن پرداخته‌اند که می‌توان آن‌ها را هم‌راستا و هم‌جهت با این پژوهش دانست:

معارف و دیگران (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با برشمردن عوامل پدیدایی شایعه، مواردی را با استفاده از آیات قرآن در جهت مقابله با آن معرفی می‌کنند. موسوی‌پور (۱۴۰۲) در مقاله خود پس از تبیین مفهوم شناختی، به عوامل و پیامدهای روان‌شناختی شکل‌گیری شایعه و سپس در مقام راه حل به روش‌های پیشگیری و مقابله با شایعه از دیدگاه قرآن کریم پرداخته است. مقاله نائینی و دیگران (۱۳۹۱) به گونه‌شناسی شایعات موجود در قرآن کریم می‌پردازد و آن‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد. فراتی (۱۳۹۵) در اثر خود به گونه‌شناسی اقسام شایعه و گروه‌های هدف پرداخته و آثار و پیامدهای شایعه‌پراکنی را برای گروه هدف شایعه و شایعه‌سازان مورد تأکید قرار داده و در فصل پایانی به راهکارهای مبارزه با شایعه پراکنی پرداخته است. حسینی علی‌آباد و طالبی (۱۳۹۷) در مقاله خود در پی آن هستند تا با بررسی آیات قرآن، نظرات قرآن را درباره دوروش دشمن در نفوذ فرهنگی از طریق رسانه، یعنی شایعه‌پراکنی و شبهه‌افکنی به دست آورند. مقاله بهرامی (۱۳۸۳) پس از تعریف شایعه، به نمونه‌هایی از شایعات در قرآن اشاره کرده است. دلایل باورپذیری شایعات را مستند بودن شایعات، درستی برخی از شایعات، سادگی برخی از مردم، احتمال درستی شایعات و بدبینی بر شمرده است. در ادامه مهم‌ترین راهکار برای گروهی که شایعات درباره آن‌ها ساخته و پخش می‌شود، اطلاع‌رسانی سریع و دقیق و اعتمادسازی دانسته است. در پایان به مرحله درمان اشاره کرده و تکذیب شایعه، تقویت‌سازی، خنثی‌سازی، کیفر شایعه‌سازان و شایعه‌پراکنان را مهم‌ترین راهکارهای جلوگیری از انتشار شایعه دانسته است.

وجه تمایز اثر حاضر با پژوهش‌های مذکور در این است که علاوه بر قرآن کریم، از سیره

حضرات معصوم علیهم‌السلام به‌عنوان الگوهای اکنون‌ساز و آینده‌پرداز برای دستیابی به نوع روش مواجهه با شایعه‌پردازی استفاده شده است. در حقیقت، پرداختن به مسئله با رویکرد سیره‌پژوهی بوده و آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام در مواجهه با این مسئله مورد تأکید قرار گرفته و لذا در پی کشف نوع روش مواجهه با این پدیده با بهره‌گیری از سیره است. از سوی دیگر در این پژوهش شایعه از جهت تهدیدی که برای امنیت ذهنی و اندیشه‌ای جامعه دارد، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته شده و نوع مواجهه نیز با تأکید بر تأمین صیانت اندیشه‌ای بررسی شده است.

۲. بنیادهای مفهومی

پیش از پرداختن به بحث، ضروری است مفاهیم بنیادین مرتبط، بررسی و تحلیل شود. از این‌رو، واژگان شایعه و در پی آن، مرجفون با توجه به ضرورت و اهمیت آن‌ها از میان واژگان مختلف، انتخاب و بررسی می‌شود.

۲-۱. شایعه

شایعه از ریشه شیع است و در خبر به معنای پخش شدن و گسترش یافتن به کار می‌رود (راغب، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۴۷۰). در اصطلاح یک گزاره (موضوع) خاص گمانی بدون وجود ملاک‌های اطمینان‌بخش رسیدگی است که معمولاً به صورت شفاهی و کلامی میان افراد منتقل می‌شود (آپورت و پستمن، ۱۳۷۴: ۹). شایعه پردازی می‌تواند بر اساس عوامل مختلفی بروز کند که از جمله آن‌ها می‌توان به بی‌مبالاتی در نقل اخبار نامطمئن، تأمین منافع، حب و بغض‌های شخصی، غلونمایی در نقل اخبار، سوء استفاده از اعتماد مردم و گمانه‌زنی خواص اشاره کرد (خنیفر و همکاران، ۱۳۹۱: ۶۲). امروزه شایعه ابزار سلطه و جنگ شناختی است. از این‌رو، اهمیتی دو چندان می‌یابد؛ زیرا بسیار پیشرفته‌تر از گذشته سامان می‌یابد و از پشتوانه قوی رسانه‌ای برخوردار است.

۲-۱-۱. مرجفون

رجف در لغت به معنای اضطراب شدید گفته شده است (راغب، ۱۴۱۲ق: ۳۴۴) و به دریا

به دلیل اضطراب و حرکت شدید موج‌های آن رَجَاف گفته می‌شود. موارد مختلفی از مشتقات این واژه در قرآن کریم آمده است. به عنوان نمونه رجفه به معنای لرزه بوده و چهار بار در قرآن ذکر شده است. همچنین «یَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ تَتَّبَعُهَا الرَّادِفَةُ» (نازعات، ۶) که مراد از لرزنده در این آیه به قرینه آیه اول زمین است یا در آیه دیگر می‌فرماید: «فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ» (اعراف، ۷۸) که درباره قوم صالح است و احتمال دارد مراد از رجفه رعشه بدن آن‌ها باشد که بر اثر صاعقه لرزیدند و به زمین افتادند یا مراد لرزیدن زمین به دلیل نزول عذاب باشد.

«مرجف» در این ساحت معنایی به معنی اضطراب آور است و مرجفون کسانی هستند که با نشر دروغ مردم را مضطرب و ناراحت می‌نموده و با هدف پریشان سازی مردم و مضطرب کردن آنان به نشر اخبار و فتنه‌ها می‌پردازند (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۳: ۵۷). به گزارش‌های فتنه‌انگیزانه و بی‌اساس آن‌ها نیز «اراجیف» گفته می‌شود؛ چراکه بی‌پایه و لرزان بوده و اختلال در نظام اجتماعی و اضطراب در امور را در پی داشت (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ج ۲۹: ۳۶۲).

۲-۲. ارکان شایعه

تحلیل فرایند انتشار شایعه نیازمند شناخت اجزا و ارکانی است که حیات شایعه را دوام می‌بخشد. با در نظر گرفتن مجموع عوامل مختلف، سه عنصر مهم اهمیت و حساسیت موضوع، ابهام موضوع و هدفمندی آن را در ماندگاری شایعه می‌توان در نظر گرفت.

۲-۲-۱. اهمیت موضوع

اساساً اگر موضوعی فاقد اهمیت لازم در جامعه باشد، نمی‌تواند پایایی و مانایی لازم برای ماندگاری را در سطح عمومی اجتماع به همراه داشته باشد. این اهمیت باید در درجه و سطح قابل قبولی برای عموم افراد مرتبط با موضوع مدنظر قرار داشته باشد. در چنین فضایی حتی اگر شایعه‌ساز مطلب خود را با پیشگفتاری همچون این تنها یک شایعه است، آغاز کند، از ضریب اثرگذاری و انتشار شایعه کاسته نمی‌شود و شایعه‌ساز در غیبت

ملاک‌های اطمینان‌بخش رسیدگی، شایعه را به مخاطب القا می‌کند و از آنجا که مردم خواهان اطلاعات فزاینده درباره موضوعاتی هستند که بیشتر آنان را به خود مشغول می‌سازد، هر اندازه این اهمیت بیشتر باشد، اطلاعات بیشتری را درخواست می‌کنند (خنیفر و همکاران، ۱۳۹۱: ۷۰).

۲-۲-۲. ابهام

در رخداد‌های مهم زمانی که نوعی ابهام ایجاد شده باشد، در نبود اخبار دقیق یا به‌وسیله برخی تشنجات عاطفی که فرد را مجبور می‌کند که نتواند یا نخواهد واقعیت‌هایی را که در اخبار مطرح شده بپذیرد، زمینه برای شایعه‌سازی می‌شود. از سوی دیگر برای ایجاد اطمینان و القای صحت شایعه به مخاطب، غالباً اجزایی از خبر یا هسته‌ای از حقیقت در آن گنجانده می‌شود، اما در ضمن انتقال آن مطالب کذب و جزئیات تخیلی آن قدر دیگر بخش‌ها را تحت الشعاع قرار می‌دهد که واقعیات و اکاذیب از هم قابل تشخیص نیست (آلپورت و پستمن، ۱۳۷۴: ۴۵).

۲-۲-۳. منفعت شایعه

افزون بر دو عامل گفته شده، وجود منفعت برای شایعه‌سازان و ناقلان شایعه نیز رکن دیگر حیات شایعه است. شایعه به اعتبار علایق ناقلان آن به حرکت درمی‌آید و در جامعه‌ای با احساسات همگن به مسیر خود ادامه می‌دهد. شایعه‌ساز عملاً به توضیح، توجیه و معنادار کردن منافع عاطفی خاص می‌پردازد و حتی رابطه بین شایعه و منافع آن قدر صمیمی می‌شود که می‌توان شایعه را به‌صورت فرافکنی یک وضعیت عاطفی تماماً شخصی توصیف کنیم (همان: ۵۳). این منفعت حتی می‌تواند ناشی از یک خشم، کینه و دشمنی باشد و انتقام را در لباس شایعه به تصویر بکشد؛ بنابراین در تحلیل پدیده شایعه در بستر اجتماع، سه عامل اهمیت موضوع، ابهام و منفعت به هدفمند شدن یک شایعه در اجتماع منتهی می‌گردد و آن را از گفتاری پراکنده به ابزاری هدفمند در جهت اهداف شایعه‌پردازان تبدیل می‌نماید. به‌عنوان مثال یکی از مهم‌ترین شایعات مطرح شده در صدر اسلام مربوط است به شایعه به‌شهادت رسیدن رسول الله ﷺ در جنگ احد که

تبعات و پیامدهای بسیاری را به همراه داشت. با بررسی این شایعه می‌توان هر سه جزء اهمیت، ابهام و منفعت را در چرایی انتشار این شایعه ملاحظه کرد.

هنگامی که شخصی از کفار به نام عبدالله بن قمیئه سنگی بر پیشانی مبارک پیامبر اسلام زد و آن حضرت را مجروح کرد، فریاد زد: «محمد را کشتم.» این خبر کذب، ناگهان در میدان نبرد انتشار یافت. هر چند ممکن است ضارب به تصور رسیدن به هدف شوم خود یعنی به شهادت رساندن پیامبر اکرم چنین خبری را اعلام کرده باشد، اما آنچه اهمیت دارد، نحوه بهره‌برداری دیگر مشرکان از این خبر در میدان نبرد است. اهمیت این خبر به اندازه‌ای بود که هیچ کس نمی‌توانست بدون واکنش نسبت به آن باقی بماند. از سوی دیگر، این خبر موجب می‌شد غلبه و پیروزی برای کفار به راحتی به دست آید و منافع آنان تأمین می‌شد. همچنین چون در میدان جنگ دستیابی به چگونگی صحت یا کذب این خبر آسان نبود، ابهام این خبر نیز در حد بالایی بود. از این رو، این خبر در سطح وسیع و گسترده منتشر شد. مفسران آورده‌اند که در هیاهوی جنگ احد عده‌ای از مسلمانان پس از دریافت این خبر، می‌گفتند که اگر محمد پیامبر بود، کشته نمی‌شد؛ گروهی نیز می‌گفتند که اگر محمد کشته شده باشد باید فرستاده‌ای به سوی عبدالله بن ابی فرستاد تا برای ما از ابوسفیان امان بخواهد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۸۴۹)؛ بنابراین منافقان کفر باطنی خود را آشکار کردند، مسلمانان سست عنصر نیز گریختند تا در صورت حاکمیت شرک و کفر از خشم دشمنان اسلام در امان بمانند؛ ولی در جزم علمی و عزم عملی مسلمانان راستین کمترین خللی پدید نیامد (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ج ۱۵: ۶۶۰).

۲-۳. فرایند انتشار شایعه

در یک نگاه کلی می‌توان سه مرحله را در این فرایند ملاحظه کرد. بر این اساس، ساخت شایعه توسط شایعه‌پردازان مرحله اول است که در پی آن شخص یا اشخاص شایعه‌ساز با توجه به سه عنصر مذکور یعنی اهمیت، ابهام و منفعت اقدام به تولید شایعه می‌کنند. در مرحله بعد با توجه به میزان اهمیت هر یک از این عوامل در میان جامعه هدف، ترویج شایعه صورت می‌گیرد و در مرحله سوم با توجه به ترویج آن در جامعه و به نوعی هجوم به

فضای ذهنی و روانی جامعه، شایعه اثر خود را بر جامعه می‌گذارد.



از گذشته دو گونه اقدام برای مقابله با تأثیر شایعات و پیدایش مرحله سوم مورد توجه قرار داشته است: جلوگیری از انتشار شایعه با اعلان حقایق و همچنین مطرح کردن آن‌ها برای تکذیب‌شان که به اصطلاح کلینیک‌های شایعه پدید می‌آمدند. فلسفه کلینیک‌های شایعه این بود که این کلینیک‌ها بر اساس اعتقاد به «مردم ارتباط حقایق را نخواهند دید مگر این که این روابط مستقیماً مورد اشاره قرار گیرند» به سیاست شایعه را ذکر کن و سپس آن را شدیداً بکوب، رو آوردند (آپورت و پستمن، ۱۳۷۴: ۲۷). کلینیک‌های شایعه در پی فراهم آوردن مجاری استمرار کار بررسی شایعات بودند بسیاری از این کلینیک‌ها از خوانندگان خود می‌خواستند که گزارشگر شایعه شوند و در مراکز معین یک بخش تحلیل تبلیغات یا دفتری مشابه زیر نظر کمیته منطقه‌ای یا ایالتی امنیت عمومی تأسیس شده بود. ناظرین شایعه موظف به ارائه گزارش ماهانه از شایعات رایج در محله‌شان بودند (همان: ۳۶).

بایساو جامعه‌شناس روس عنصر زمان را برای دسته‌بندی شایعات به کار گرفته و می‌گوید قسم اول یک نوع شایعات خزنده هستند که به آرامی گسترش یافته و به همراه احساسی ملو از رازداری رواج می‌یابند تا به مرور همه از آن‌ها باخبر شوند. شایعات نوع دیگر ماهیتاً آتشین هستند. این شایعات به این دلیل که مخاطرات یا وعده‌های فوری را مطرح می‌کنند همچون آتشی که چوب را می‌سوزاند، به سرعت منتشر شده و جامعه را در طی مدتی بی‌نهایت کوتاه در برمی‌گیرند. نوع آخر در دسته‌بندی بایساو شایعات غواص هستند. این نوع شایعات برای مدتی رواج می‌یابند و بعد زیر آب رفته و مجدداً هنگام ظهور شرایط مناسب، سر برآورده و شایع می‌گردند (همان: ۱۸۴)؛ اما به نظر می‌رسد قسم سوم می‌تواند بر حسب نوع بروز خود، جزویکی از آن دو دسته قرار گیرد؛ بنابراین، در مجموع تمام شایعات را می‌توان در دو محور تقسیم‌بندی کرد: شایعات پیش‌رونده تدریجی که

فرایند تولید، ترویج و تأثیر خود را در یک بازه زمانی معمولی طی می‌کنند و در جامعه اثرگذار می‌شوند و شایعات پیش‌رونده فوری که در آن‌ها فرایند تولید تا تأثیر در فاصله زمانی بسیار کوتاه صورت می‌گیرد.

از جمله مصادیق شایعات پیش‌رونده تدریجی را می‌توان در برخی شایعات که به پیامبران نسبت داده می‌شد ملاحظه کرد که هدف از اشاعه این شایعات، تخریب وجهه انبیا در نزد عموم جامعه بوده است. یکی از شایعاتی که در صدر اسلام و با هدف فریب پیامبر ﷺ و همچنین تخریب چهره و قداست حضرت گفته شد، بحث تقسیم غنایم پس از جنگ حنین بود. منافقان پس از جنگ حنین این گونه شایعه کردند که پیامبر در تقسیم غنایم به عدالت رفتار نمی‌کند که این شایعه با واکنش خداوند در قرآن کریم روبه‌رو شد که در آیه ۵۸ سوره توبه در این خصوص آمده است: «و بعضی از ایشان تو را در تقسیم صدقات به بیداد متهم می‌کنند، اگر به آن‌ها عطا کنند، خشنود می‌شوند و اگر عطا نکنند خشم می‌گیرند.»

اما در گونه دیگر شایعات گسترش یافته در تاریخ اسلام شایعاتی نظیر شایعه صلح که فرستادگان معاویه به دروغ آن را در میان سپاه امام حسن (علیه السلام) رواج دادند، اشاره کرد که سرعت گسترش و شدت اثرگذاری آن بسیار زیاد بود. معاویه با این شایعه، توانست خوارج را ضد امام بشوRAND. او با خدعه‌ای حساب شده، مغیره بن شعبه، عبدالله بن عامر بن کریز و عبدالرحمان بن ام حکم را نزد امام حسن (علیه السلام) فرستاد. هنگامی که آنان از خیمه امام بیرون آمدند، زیر لب سخن می‌گفتند تا مردم بشنوند. آنان می‌گفتند: «به خدا پسر پیامبر خدا خون‌ها را حفظ کرد و فتنه را آرام ساخت. او پیشنهاد صلح را پذیرفت.» این شایعه کارساز شد و گروهی بدون اینکه در صدق این شایعه شک کنند بر امام حمله نموده، ایشان را مجروح کردند و نظم سپاه امام را بر هم زدند (یعقوبی، ج ۲: ۲۱۴).

۲-۴. مواجهه با شایعه‌پردازی‌ها در سیره معصومان (علیهم السلام)

با تأمل و بررسی دقیق در سیره اهل بیت (علیهم السلام) مشخص می‌شود، نوع مواجهه ایشان با این پدیده، نگاه مجموعه‌نگر و دور از نگاه تک‌ساحتی بوده است. شرط اول در دستیابی

به یک راهبرد مطمئن در مواجهه با انواع گوناگون آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی نگاه مجموعه‌ای و شبکه‌ای به آن پدیده است. بر این اساس، در پدیده مطرح در این پژوهش نیز این نگاه در سیره ملاحظه می‌شود به نحوی که شایعه‌پردازی را در دو ساحت مواجهه با شایعه‌پذیران و مواجهه با شایعه‌پردازان می‌توان ملاحظه کرد. به بیان دیگر، راه حل عبور از بحران شایعه‌پردازی از رهگذر مواجهه صحیح با هر دو گروه «مرجفون» و «سماعون» به دست می‌آید.

۲-۵. مواجهه با شایعه‌پذیران

در فرایند مبارزه با يك انحراف یا بدعت، گاهی مشکل حس می‌شود و زمانی درك می‌گردد. احساس به معنای عارضه‌بینی است و ادراك یعنی ریشه‌یابی. به عبارت دیگر، حس به معنای ادراك ظاهری و درك، به معنای ادراك واقعی است (عرفان، ۱۳۹۴: ۱۲۳). در طول تاریخ جامعه مسلمین همان‌طور که از وجود شایعه‌سازان رنج برده است از وجود شایعه‌پذیران و افراد ساده‌لوحی که شایعات را پذیرفته و همان واکنش مقصود دشمن را نشان می‌دادند نیز آسیب‌دیده است. تعبیر قرآن از این‌گونه افراد «سماعون» است؛ چراکه این افراد نه تنها شنونده شایعه هستند، بلکه با رغبت و اشیاق این‌گونه از شایعات را به پذیرفته و سخنان اهل نفاق بسیار زود در دلشان اثر می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ج ۳: ۱۸۲) «وَلَا وَضَعُوا خِلالَكُمْ يَبْغُونَكُمُ الْفِتْنَةَ وَفِيكُمْ سَمَاعُونَ لَهُمْ» (توبه، ۴۷). از این رو، باید به بررسی راهکارهای اهل بیت در برابر این افراد پرداخته شود.

۲-۵-۱. ارتقای امنیت فکری و روانی جامعه

مادامی که احاد جامعه به «بلوغ معرفتی» راه نیابند، پایه‌های باورداشت‌های دینی و الهی در جامعه استوار نمی‌گردد، هویتی استوار تکوین نمی‌یابد و هر لحظه امکان هجوم شبهات و فتنه‌انگیزی دشمنان وجود دارد. از این رو، در گفتمان دین تقدم مبارزه با جهل بر مبارزه با جاهل مورد تأکید قرار می‌گیرد.

در عصر امام صادق (علیه السلام) عده‌ای بر حسب تمایلات نفسانی خویش شایعه و شبهه‌ای را

(محمد حسین دانش‌کیا، محسن فکری فلاح)

مبنی بر اینکه شناخت حق سبب می‌شود انسان در انجام هر عملی حتی محرمات آزاد باشد، رواج دادند. شخصی خدمت امام آمد و عرضه داشت برای ما اینچنین حدیثی نقل شده است. حضرت با بیان «انا لله و انا الیه راجعون» به شدت چنین پندار باطلی را رد کرد و فرمود: چگونه می‌شود ما به خاطر اعمالمان مسئول باشیم ولی آن‌ها که چنین می‌پندارند بتوانند هرکاری انجام دهند. در ادامه حضرت باور صحیح را بیان می‌فرمایند که وقتی حق و امام را شناختی آنچه از اعمال نیک کم و زیاد خواستی انجام بده که از تو قبول خواهد شد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۴۶۴). اینکه راوی این گزارش خدمت امام عرضه می‌دارد («حدیث روی لنا») یعنی برای ما چنین نقلی صورت گرفته و همچنین نوع پاسخ امام نشان دهنده این است که خطر رواج چنین خبری در جامعه وجود داشته و مسئله صرفاً یک گزارش شخصی نبوده است.

این گزارش افزون بر یک پاسخ به شبهه و شایعه‌ای رواج یافته، به نوعی تقویت سطح معرفتی مردم و افزایش قدرت تحلیل آنان را به همراه دارد تا افراد به مجرد برخورد با یک شایعه به پذیرش آن اقدام نکنند بلکه در جوانب آن تفکر و تأمل نمایند؛ کما اینکه در حدیث دیگری امام صادق علیه السلام ضمن برائت بسیار شدید و لعن و نفرین ابوالخطاب و همفکرانش تأکید می‌کنند که حتی اگر ما به فرض آنان را به نافرمانی خدا دعوت می‌کردیم آنان نباید می‌پذیرفتند چه رسد به اینکه ما آن‌ها را باز می‌داریم و در پیشگاه خداوند خائف هستیم. ما انتقام خود را از آن‌ها در پیشگاه خداوند خواهیم گرفت (کشی، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۴۹۲).

۲-۵-۲. تبدیل مخاطبان اثرپذیر به مخاطبان هوشمند

قرآن کریم سخن از لزوم تحقیق به میان آورده، می‌فرماید «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ» (اسراء، ۳۶). ماده قفو به معنی دنباله‌روی از چیزی است و دنباله‌روی از غیر علم، مفهوم وسیعی دارد. نهی از پیروی از غیر علم مسائل اعتقادی، گفتار، شهادت و قضاوت و عمل را شامل می‌شود. به تعبیر دیگر، نه شایعات می‌تواند مقیاس قضاوت و شهادت و عمل شود و نه قراین ظنی و نه اخبار غیرقطعی که از منابع غیر موثق به انسان می‌رسد و در پایان

آیه دلیل این نهی را چنین بیان می‌کند که: «گوش و چشم و دل همگی مسئول اند» و در برابر کارهایی که انجام داده‌اند از آن‌ها سؤال می‌شود (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۱۲: ۱۱۶).

در ماجرای افک به یکی از همسران رسول خدا ﷺ نسبت ناروا دادند و نسبت دهندگان چند نفر بوده و داستان را در میان مردم منتشر کرده و دست به دست گرداندند. خداوند آیاتی از سوره نور را نازل و از رسول خدا ﷺ دفاع کرد. روی سخن را به مؤمنانی که در این حادثه فریب خوردند و تحت تاثیر واقع شدند قرار داده و آن‌ها را شدیداً طی چند آیه سرزنش می‌کند و می‌فرماید: «چرا هنگامی که این تهمت را شنیدید مردان و زنان باایمان نسبت به خود گمان خیر نبردند؟! چرا هنگامی که سخن منافقان را درباره افراد مؤمن استماع کردید با حسن ظن به دیگر مؤمنان که به منزله نفس خود شما هستند بر خورد نکردید. و چرا نگفتید این يك دروغ بزرگ و آشکار است.» در این آیه می‌گوید: شما نسبت به خودتان باید حسن ظن می‌داشتید، این تعبیر اشاره به این است که جان مؤمنان از هم جدا نیست و همه به منزله نفس واحدند که اگر اتهامی به یکی از آن‌ها متوجه شود گویی به همه متوجه شده است (همان، ج ۱۴: ۳۹۷).

در واقع، این آیه به سه قسمت از گناه بزرگ آن‌ها در این باره اشاره می‌کند: نخست، به استقبال این شایعه رفتن و از زبان یکدیگر گرفتن (پذیرش شایعه). دوم، منتشر ساختن شایعه‌ای که هیچ‌گونه علم و یقین به آن نداشتند و بازگو کردن آن برای دیگران (نشر شایعه بدون هیچ‌گونه تحقیق). سوم، آن را عملی ساده و کوچک شمردن در حالی که نه تنها با حیثیت دو فرد مسلمان ارتباط داشت، بلکه با حیثیت و آبروی جامعه اسلامی گره خورده بود (کوچک شمردن شایعه، و به عنوان يك وسیله سرگرمی از آن استفاده کردن) و می‌فرماید شما باید از این تهمت بزرگ غرق تعجب می‌شدید و به یاد پاکی و منزه بودن پروردگار می‌افتادید و از اینکه آلوده نشر چنین تهمتی شوید به خدا پناه می‌بردید. اما مع الاسف شما به سادگی و آسانی از کنار آن گذشتید به آن نیز دامن زدید و ناآگاهانه ابزار دست منافقان توطئه‌گر و شایعه‌ساز شدید (همان، ج ۱۴: ۳۹۹).

یکی از راهکارهایی که می‌توان در سیره معصومین ملاحظه کرد ترویج مواجهه هوشمندانه با شایعات است. در مقاطع مختلفی که شایعات مطرح می‌شد نوع پاسخی که اهل بیت علیهم‌السلام به این شایعات می‌دادند استدلالی بود که نه تنها پاسخی به خود شایعه باشد، بلکه روشی برای پاسخ به شایعات از این سنخ نیز به مخاطب آموزش داده می‌شد.

یکی از شیوه‌های جنگ روانی عباسیان ضد علویان این بود که می‌گفتند علویان آن‌چنان حقی برای خود قائل‌اند که سایر مردم را «عبید» و برده خود می‌دانند. در تبلیغات خود به مردم می‌گفتند علویان شما را برده خود دانسته و بدین ترتیب شما را مورد تحقیر قرار می‌دهند! طبیعی است که این‌گونه شایعات بی‌اساس، عده‌ای از مردم ساده‌لوح را به دوری از علویان وامی‌داشت (جعفریان، ۱۳۸۱: ۴۴۷). در روایتی از ابوصلت آمده که به امام عرض کردم: مردم چیزهایی از شما نقل می‌کنند. امام فرمود: چه چیزی از ما نقل می‌کنند؟ گفتم: می‌گویند شما ادعا دارید که مردم بردگان شما هستند، امام فرمود: ای پروردگاری که آسمان‌ها و زمین را گستردی و دانای پنهان و آشکاری، تو شاهدی که من چنین نگفته‌ام، از پدران خود نیز هرگز شنیده‌ام چنین بگویند. تو آگاهی از ستم‌هایی که از این افراد به ما روا داشته می‌شود که این هم یکی از آن‌هاست. پس از آن امام علیه‌السلام رو به من کرد و فرمود: اگر چنان‌که از ما حکایت می‌کنند ما همه مردم را بردگان خود می‌دانیم، پس به چه کسی آن‌ها را می‌فروشیم؟ گفتم: راست می‌فرمایید ای فرزند رسول خدا (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۱۸۴). در گزارش دیگر امام دستور به تبیین این موضوع برای مردم می‌دهد و می‌فرماید: این مطلب را حاضران به غایبان برسانند که قسم به قربتی که با رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دارم، نه من خود چیزی گفته‌ام و نه از یکی از اجدادم شنیده‌ام که چنین بگوید و نه از یکی از پدرانم به من چنین روایتی رسیده است. بلکه مردم در این که اطاعت ما بر آن‌ها واجب است فرمان‌بردار ما و از نظر دینی موالیان و دوستان ما هستند (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱: ۱۸۷).

در مواد شایعه باید توجه شود شایعه‌ساز سخن حق طرف مقابل را تحریف می‌کند و یکی از راه‌های مقابله روشنگری و توضیح مورد ابهام در سخنان خودی‌هاست که باید از طریق مناسب به همه رسانده شود.

۲-۵-۳. تعیین افراد و گروه‌های مرجع و تبیین‌کننده

در صدر اسلام یکی از برنامه‌های خطرناک دشمن، ایجاد جنگ روانی بود. گاه منافقان خبرهای بد جبهه نبرد را از طریق جاسوسان خود دریافت و به‌وسیله مسلمانان سست‌ایمان در شهر منتشر می‌کردند که خانواده‌های رزمندگان را مضطرب و مسئولان تدارک در پشت جبهه را نگران می‌ساخت؛ آن‌گاه با نشر اراجیف در جبهه، ناآرامی اهل مدینه را به رزمندگان می‌رساندند تا آنان نیز نگران شوند. از این‌رو، خداوند در قرآن کریم فرمود:

وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولَى الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْ لَا فَضْلَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتَهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا (نساء، ۸۳) این آیه در ارائه راه‌حل برای این مشکل و جلوگیری از این فتنه، با نکوهش منافقان و مسلمانان سست‌ایمان که به پراکندن شایعات کافران و منافقان اقدام کرده و به فرجام اشاعه اخبار زیان‌بار که سبب ضعف نیروهای اسلام و تقویت نیروهای کفر و نفاق می‌شود، نمی‌اندیشیدند، به مسلمانان می‌آموزد که اخبار جنگ را کتمان کرده و فوری منتشر نکنند، بلکه گزارش‌های آرام‌بخش یا هراس‌آور، یعنی خبر پیروزی یا شکست را نخست به اهل استنباط و رهبران دینی و مدیران نظام اسلامی گزارش دهند تا آنان با تحلیل‌های عالمانه خود از تضعیف روحیه‌ها جلوگیری کنند؛ زیرا مصلحت حکومت اسلامی را کارشناس نظام دینی می‌داند و اگر گزارش‌های سیاسی و نظامی مستقیماً به رهبر مسلمانان رسانده شود، او با تفکر الهی خود حقیقت را استنباط می‌کند و مسلمانان را با وظایفشان آشنا می‌سازد (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ج ۱۹: ۶۴۳).

در جریان نبرد صفین که با وجود نارضایتی امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) از پیشنهاد حکمیت، این طرح به حضرت تحمیل شد، مخالفت شدید مالک اشتر با این طرح موجب شد شایعاتی مبنی بر سرپیچی مالک از دستور امام (علیه السلام) در بین برخی از سپاهیان مطرح شود. در این شرایط حضرت در پاسخ به این شایعات تاکید کرد که خود نیز از پذیرش حکمیت راضی نبوده و ترجیح می‌داد که یارانش نیز آن را نپذیرند، اما با توجه به اصرار آنان، حکمیت را پذیرفت. امام (علیه السلام) درباره مالک اشتر بیان کردند که او از کسانی نیست

که از دستوره‌های الهی سرپیچی کند و نگرانی از این بابت ندارم. ای کاش در میان یارانم دو نفر مانند مالک اشتر یا حتی یک نفر وجود داشت. ایشان افزود مالک اشتر دشمنان را همان‌گونه می‌بیند که من می‌بینم و اگر چنین بود، بار مسئولیت بر دوش من سبک‌تر می‌شد (طبری، ج ۵: ۵۹). حضرت طبق این گزارش تاریخی نه تنها به شایعه‌ای که علیه مالک ایجاد شده پاسخ می‌دهد بلکه مالک را به‌عنوان شخصیتی که «یری فی عدوی ما اری» بیان می‌کند که نقش محوری و تعیین‌کننده داشته باشد.

۲-۵-۴. روش‌مندسازی ارزیابی شایعات

هجوم شایعات مختلف به اذهان و افکار جامعه اسلامی سعی در تصرف مرزهای عقیدتی و باورهای ایمانی مردم داشت، از سوی دیگر محدودیت‌هایی که از سوی حاکمان جور در دسترسی مردم به معصومین ایجاد کرده بودند امکان ارتباط با اهل بیت را برای مردم دشوارتر می‌کرد. از این‌رو، ارائه الگوی ارزیابی به‌وسیله سنجه‌های حقیقی و مطمئن توسط ائمه علیهم‌السلام یکی از راه‌هایی بود که جامعه اسلامی به‌وسیله آن بتواند از دام شایعات و باورهای نادرست‌رهایی یابد.

در گزارشی وقتی به امام صادق (علیه‌السلام) عرض شد که از شما روایت شده که فرموده‌اید شراب، قمار، بت‌ها و تیره‌های قرعه نامی مردانه هستند، این عقیده را انکار کرد و با برهانی عقلی خطاب به آنان فرمود: خداوند هرگز مخلوقاتش (انسان‌ها) را با چیزهایی که نمی‌دانند مورد خطاب قرار نمی‌دهد (کشی، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۵۷۸). حضرت در این کلام در حقیقت این‌گونه استدلال می‌کند که خداوند در قرآن به این امور شراب و قمار و بت‌ها و تیره‌های قمار اشاره کرده و آن‌ها را پلید دانسته و از مردم خواسته از آن‌ها خودداری کنند (مأئده، ۹۰)، اگر بر اساس گفته شما این موارد نامی مردانه است پس خداوند انسان‌ها را با چیزهایی مورد خطاب قرار داده و از آن‌ها خودداری از اموری را خواستار شده که مردم با آن امور آشنایی ندارند و آن‌ها را نمی‌دانند (حاجی‌زاده و صفری فروشانی، ۱۳۹۹: ۶۷) و این‌گونه با استدلال خویش این شایعه را باطل کردند.

در نقلی از امام رضا (علیه‌السلام) و پس از پرسش برخی از ایشان پیرامون علت انکار برخی از

اقوال و همچنین دقت در پذیرش و شناخت اخبار صحیح، موافقت روایات با قرآن و سیره رسول الله معیار قبول روایات قرار داده شده و ایشان فرمودند ما از خداوند و از رسول الله روایت می‌کنیم نه اینکه بگوییم از فلان و فلان گفتند تا سخنان ما متناقض با هم نشوند؛ بنابراین همانا کلام اولین با کلام آخرین ما یکی است و تصدیق‌کننده یکدیگرند (کشی، ۱۴۰۴، ج ۲: ۴۹۰).

نتیجه این بخش آن است که هر چند شایعه‌سازان نقش مخرب بسیاری در برهم‌زدن امنیت ذهنی جامعه دارند؛ اما شایعه‌پذیران نیز به سهم خود در پدید آمدن چنین بحرانی در جامعه مقصر هستند و لذا مجموعه اقدامات و فعالیت‌هایی می‌تواند به یک صیانت اندیشه‌ای در مقابل شایعه‌سازان در میان افراد شایعه‌پذیر منتهی شود.

۲-۶. مواجهه با شایعه‌پردازان

عاملان اصلی رواج شایعات همان شایعه‌سازان و دروغ‌پردازانی هستند که با هدف تأمین منافع خویش و ایجاد اختلال در امنیت فکری و ذهنی جامعه اسلامی به این کار دست می‌زنند. نوع مواجهه با این گروه چند در مرحله برشمرده می‌شود.

۲-۶-۱. تکذیب صریح و سریع شایعات

تبیین مواضع ابهام باید با سرعت و دقت بسیار انجام شود. سرعت از آن جهت که قبل از تولید و انتشار یک شایعه، مردم از حقیقت موضوع مطلع بوده و تحت تأثیر آن خبر قرار نگیرند و دقت از آن نظر که حقایق به‌طور کامل در اختیار مردم جامعه قرار بگیرد و هیچ‌گونه نقطه ابهامی در آن موجود نباشد تا مبادا دشمنان از آن مواضع ابهام، جهت تولید و انتشار شایعات خویش بهره ببرند (معارف و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱۵). بخشی از آیات قرآن کریم ناظر به همین‌گونه از پاسخ‌ها به شایعات است. نمونه‌هایی از تهمت‌های مشرکان به پیامبران الهی (علیهم‌السلام) به‌ویژه رسول مکرم اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در آیاتی از قرآن کریم آمده است نظیر «وَيَقُولُونَ إِنَّا لَنَرُكَوَاءَ الْهَيْتِنَا لِشَاعِرٍ مَّجْنُونٍ» (صافات، ۳۶)؛ «فَتَوَلَّىٰ بَرْكَنِهِ وَقَالَ سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ» (ذاریات، ۳۳۹) «ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلَّمٌ مَّجْنُونٌ» (دخان، ۱۴) و خدای

متعالی در پاسخ به این اتهام می‌فرماید اگر تفکر کنند، درمی‌یابند که صاحبشان هیچ گونه جنونی ندارد: «أَوْ لَمْ يَتَّفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِهِمْ مِنْ جِنَّةٍ» (اعراف، ۱۸۴) و در جای دیگر «و ما صاحبُکُم بِمَجْنُونٍ» (تکویر، ۲۲) جمله «ما بِصَاحِبِهِمْ مِنْ جِنَّةٍ» نکره در سیاق نفی و مفید عموم است؛ یعنی صاحب آن‌ها (پیامبر گرامی اسلام ﷺ) هیچ گونه جنونی ندارد (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ج ۳۱: ۳۷۶). نوع بیان، انتخاب واژگان و چینش کلمات نمایانگر صراحت کلام قرآن کریم در رد شایعات بی‌اساسی است که از سوی مشرکین منتشر می‌شد.

در شرح جریان غزوه تبوک آمده است که چون لشکر رسول خدا مجهز شد و رسول خدا به ثنیّة الوداع رفت؛ منافقین به جهت ارجاف و متزلزل ساختن به سخنان بی‌اصل و اساس، مشغول به شایعه‌پراکنی شدند و گفتند پیامبر نخواست که علی (علیه السلام) را با خود ببرد و در مدینه به جای گذاشت. امیرالمؤمنین علیه السلام از این شایعه مطلع شد، برای رسوا کردن منافقین و افشای دروغشان، خود را به رسول الله ﷺ رسانید و او را در جریان شایعه منافقین قرار داد و آن حضرت حدیث منزلت را درباره او بیان فرمود (یوسفی غروی، ۱۴۱۷ ق، ج ۳: ۴۳۸)؛ «ای علی! منافقین دروغ می‌گویند! آیا راضی نیستی که تو برادر من باشی، و من برادر تو باشم؟! و نسبت تو با من مثل نسبت هارون است با موسی الا اینکه بعد از من پیامبری نمی‌آید و تو جانشین من در امت هستی و تو وزیر من و برادر من در دنیا و آخرت هستی.» امیرالمؤمنین (علیه السلام) در این حال به مدینه بازگشت (قمی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱: ۲۹۳).

بنا بر گزارش دیگر حضرت فرمود: «یا علی انّ المدینة لا تصلح الا بی اوبک» (مفید، ۱۴۱۳ ق، ج ۱: ۱۵۵). از فحوای این گزارش تاریخی چنین برمی‌آید که اقدام امیرالمؤمنین (علیه السلام) برای رسیدن به محضر رسول الله ﷺ و سپس کلام پیامبر اکرم در تبیین عظمت حضرت علی (علیه السلام) بدون گذشت زمان خاصی از انتشار شایعه از سوی منافقان بوده است و لذا چنین برمی‌آید که باید در رد شایعات به خصوص در شرایط حساس جامعه، باید سرعت عمل مناسب مدنظر قرار بگیرد تا از ایجاد بحران ذهنی و اندیشه‌ای در جامعه جلوگیری شود.

۲-۶-۲. اعتبارزدایی از شایعه‌پردازان و افشاگری علیه آنان

خداوند متعال در قرآن کریم پس از تبیین و روشن‌نگری در جریان حادثه افک، شناخته و رسوا شدن عناصر فاسد را برای جامعه صالح و اسلامی خیر می‌داند (لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَّكُم ...). چرا که یکی از موفقیت‌های اجتماع این است که اهل گمراهی و فساد شناخته شوند تا جامعه نسبت به وضع آن‌ها بصیرت پیدا کند و برای اصلاح این اعضای فاسد دست به اقدام زند، دلیل بر این معنا، جمله «لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْاِثْمِ» است، چون اثم عبارت است از آثار سوئی که بعد از گناه برای آدمی باقی می‌ماند. پس ظاهر جمله این است که آن‌هایی که این تهمت را زده بودند به آثار سوء عملشان شناخته می‌شوند و از دیگران متمایز می‌گردند و در نتیجه به جای اینکه رسول خدا ﷺ را رسوا کنند خود مفتضح می‌شوند (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱۵: ۱۲۹).

همچنین قرآن از کسانی که مؤمنان را از لشکر مشرکان می‌ترسانند به شیطان تعبیر کرده است و اطلاق شیطان بر وسوسه‌کنندگان انسانی در آیاتی از قرآن کریم آمده است (انعام، ۱۱۲) لذا از گزارش قرآن کریم برمی‌آید که عملیات شیاطین بر اساس ترساندن سپاه اسلام بود (دانش‌کیا، ۱۳۹۳: ۲۲۳).

امام علی (علیه السلام) درباره عملکرد معاویه فرمود: «فَاِنَّمَا هُوَ الشَّيْطَانُ، يَا تَى الْمَرْءِ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ، وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ، لِيَقْتَحِمَ عَقْلَتَهُ، وَيَسْتَلِبَ غِرَّتَهُ» (نهج البلاغه، ۱۳۶۸، ج ۵: ۹۶۳). تشبیه به شیطان بیشترین تشبیهی است که درباره معاویه ذکر شده است. علاوه بر این، امیرالمؤمنین (علیه السلام) بارها به معاویه درباره تسلط شیطان بر جسم و روحش هشدار داده‌اند (کفش‌کنان و مردانی، ۱۳۹۳: ۹۲). حضرت می‌فرماید: بسیاری از مردم را به ورطه هلاک کشاندی، با گمراهی‌ات فریبشان دادی و به خیزابه‌های مرگبارشان سپردی تا در کام سیاهی‌ها فرورفتند، و در تلاطم انواع شبهه‌ها غوطه‌ور شدند به گونه‌ای که از راستای خویش به بیراهه رفتند و در سیری قهقرایی، واپس افتادند و بر نسب و حسبشان تکیه زدند، جز از شماری بینش‌مندان که موضع و سمت خویش را تغییر دادند (نهج البلاغه، ۱۳۶۸، ج ۵: ۹۴۰).

(محمد حسین دانش‌کبا، محسن فکری فلاح)

قرآن کریم از شایعه‌پردازانی که با اخبار دروغ لرزه بر پیکر جامعه وارد می‌سازند با «مرجفون» تعبیر می‌نماید (احزاب، ۶۰). کاربرد این گونه الفاظ در حقیقت نوعی افشاگری علیه این جریان بوده و این‌گونه افراد را از مرجعیت خبری برای جامعه ساقط می‌نماید.

لعن‌هایی که توسط ائمه (علیهم‌السلام) نسبت به افرادی که با ادعاهای دروغین، به مثابه مرجفون اعتقادات مردم را متزلزل می‌ساختند از جمله راه‌های اعتبارزدایی از این‌گونه افراد بود. امام هادی (علیه‌السلام) با آگاهی از عقاید غالبانه ابن‌حسکه، در نامه‌ای که نشان‌دهنده شدت ناراحتی حضرت از اوست چندین بار به لعن ابن‌حسکه و برائت از افکار و عقاید او می‌پردازند (کشی، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۸۰۴).

۲-۶-۳. قطع زنجیره ترویج شایعه

اتخاذ رویکردی مبتنی بر «تحریم فکری و معنوی» شایعه‌پردازان از عواملی است که علاوه بر رها شدن جامعه از بند شایعه موجب به حاشیه‌رانی شایعه‌سازان شده و رواج این پدیده شوم را از بین می‌برد.

خداوند متعال در آیه ۱۴۰ سوره نساء می‌فرماید: وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ إِنَّكُمْ إِذًا مِثْلُهُمْ إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا و به مسلمانان هشدار می‌دهد که: در قرآن به شما دستور داده شده که هنگامی بشنوید افرادی نسبت به آیات قرآن کفر می‌ورزند و استهزا می‌کنند با آن‌ها ننشینید تا از این کار صرف نظر کرده، به مسائل دیگری بپردازند. سپس نتیجه این کار را چنین بیان می‌کند که اگر شما در این‌گونه مجالس شرکت کردید همانند آن‌ها خواهید بود و سرنوشت‌تان سرنوشت آن‌هاست. باز برای تاکید این مطلب اضافه می‌کند شرکت در این‌گونه جلسات نشانه روح نفاق است و خداوند منافقان و کافران را در دوزخ جمع می‌کند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۴: ۱۷۲) و همچنین در آیات دیگری نظیر آیه ۶۸ سوره انعام و ۲۸ فرقان این توصیه‌ها ذکر شده است.

در جریان‌ات مربوط به افرادی نظیر ابوالخطاب که با نشر افکار غالیانه امنیت اعتقادی جامعه را هدف قرار داده بودند یکی از اقدامات امام صادق (علیه السلام) نهی از همنشینی و نشست و برخاست با این‌گونه افراد بود (حاجی‌زاده و صفری فروشانی، ۱۳۹۹: ۶۹). زمانی که صحبت از ابی الخطاب و دیگر غلات مطرح شد حضرت از نشست و برخاست با آن‌ها، خوردن و آشامیدن با آنان و مصافحه با آنان نهی فرمود (کشی، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۵۸۶).

این دستور در ملاحظه‌ای تاریخی می‌تواند نمایانگر یک راهبرد اجرایی در مقابل افرادی باشد که با رواج شایعات دروغین، اعتقادات جامعه را تهدید می‌کنند. بی‌اعتبار کردن آن‌ها در نظر مردم یا وضع قوانینی برای مجازات چنین افرادی می‌تواند عامل بازدارنده‌ای برای جلوگیری از فعالیت‌های مخرب این گروه باشد.

۲-۶-۴. ترفندشناسی جریان شایعه‌پرداز

شناخت اهداف و نقشه‌های جاعلان شایعه در جامعه یکی از طرقی بود که به روشن شدن فضا و از بین رفتن ابهام در جامعه منتهی می‌شد. به بیان دیگر مشخص شدن سیاست‌گذاری‌های جریان شایعه‌پرداز در جامعه راه را برای خروج مردم از تفکرات تردیدگرایانه و تشخیص گزاره‌های صحیح از کذب هموار می‌ساخت.

کشی نقل می‌کند که ۳۰ هزار دینار نزد دو وکیل امام کاظم (علیه السلام) بنام حیان سراج و شخصی دیگر بود. زمانی که امام (علیه السلام) در زندان بود، آن‌ها با این پول خانه و غلات خریدند و وقتی خبر رحلت امام (علیه السلام) به آن‌ها رسید، شهادت آن حضرت را انکار و در میان شیعه شایع کردند که امام کاظم (علیه السلام) نمرده است؛ زیرا او قائم آل محمد است تا جایی که گروهی از شیعیان به آن دو اعتماد کرده و ادعای آن‌ها را در میان مردم رواج دادند. اما در نهایت برای شیعیان روشن شد این دو نفر به خاطر خوردن اموالی که پیش ایشان بوده، این شایعه را درست کرده بودند (همان: ۷۶۰).

مغیره بن سعید شخص دیگری است که با وارد کردن سخنان خلاف حق در میان روایات شیعه، آن‌ها را در میان شیعیان منتشر و این اقدام او را امام صادق (علیه السلام) به‌صراحت به مردم

(محمد حسین دانش‌کیا، محسن فکری فلاح)

اعلام و ترفند مغیره را افشا می‌کرد. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «مغیره کارش این بود که به عمد به پدرم دروغ می‌بست. وی کتاب‌های یاران حضرت را می‌گرفت و طرفداران او در جمع اصحاب پدرم ناشناخته بودند. آنان کتاب‌ها را از یاران پدرم می‌گرفتند و به مغیره می‌دادند و او در آن‌ها کفر و زندقه وارد می‌کرد و به پدرم نسبت می‌داد؛ آن‌گاه به یاران خود دستور می‌داد در میان شیعه منتشر و پخش کنند؛ پس هر آنچه از غلو در کتاب‌های یاران پدرم باشد، چیزی است که مغیره در کتاب‌های آنان وارد کرده است» (همان: ۴۹۱).

امروزه نیز پی‌بردن به اهداف و منافع شایعه‌سازان و تبیین و تشریح آن‌ها برای مردم می‌تواند از به فعلیت رسیدن خطرات شایعات مختلفی نظیر شایعاتی که باهدف تأمین منافع عده‌ای خاص و به‌وسیلهٔ ایجاد تصمیمات هیجانی در بخش‌های مختلف جامعه موجب اخلال در نظام اقتصادی می‌شود، جلوگیری کند.

۲-۶-۵. تبدیل تهدید شایعات به فرصتی برای بسط معارف دینی (مدیریت‌پذیرسازی شایعات)

شتاب تأثیر شایعات بر روح جامعه در موارد مختلفی عملاً امکان حذف شایعه و برقراری نظم اجتماعی را در کوتاه‌مدت میسر نمی‌ساخت از این‌رو، یکی از راهبردها و اقدامات در دستور کار، استفاده از شرایط پیش‌آمده برای ترویج معارف دینی بود. به تعبیر دیگر، فروکاهش تدریجی قلمرو اعتبار شایعه و القای آموزه‌های صحیح در فضای پیش‌آمده که یافتن گزاره‌های جدید پیرامون موضوع خاصی مطالبه عمومی شده است توانست به مدیریت‌پذیر کردن شایعات کمک کند.

به‌عنوان نمونه در صحنه پیکار اُحد به‌رغم اینکه شایعه شهادت رسول‌الله ﷺ به فاصلهٔ کوتاهی نظم سپاه اسلام را به هم ریخت و منافقان حاضر در سپاه و سست‌ایمانان شکست سپاه اسلام را زمینه‌سازی کردند، قرآن کریم از این شایعه ایجاد شده برای تنبّه، آگاهی و بیداری مسلمین استفاده نموده و مردم را چنان مهیّا می‌کند که ارتحال رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به ایمان آنان گزند نرساند و به ارتداد گرفتارشان نساند (جوادی

آملی، ۱۳۹۳، ج ۱۵: ۶۶۰). نزول آیه ۱۴۴ سوره آل عمران که توبیخ مسلمین و هشدار به پرهیز از سیر قهقرایی آنان در صورت رحلت پیامبر را به همراه دارد فصل جدیدی را پیش روی جامعه اسلامی باز می‌نماید که در آن جاودانگی دین حق حتی در صورت فقدان نبی مکرم اسلام را به آنان تعلیم می‌دهد.

در جریان ظهور مدعیان دروغین مهدویت نیز مدیریت این فضا و نوع مواجهه ائمه علیهم‌السلام با این شایعات تبدیل تهدید پیش رو به فرصتی برای نشر معارف حقیقی دین را نمایانگر است. ایشان بحران مدعیان دروغین را به گونه‌ای مدیریت کردند که به فرصتی برای تبیین آموزه مهدویت و نهادینه‌سازی این اندیشه تبدیل گردد. زدودن شک و تردید شیعیان و معرفی حضرت به‌عنوان فرزند و جانشین امام یازدهم مهم‌ترین جنبه دیدارهای حضرت مهدی در روزگار غیبت صغرا بوده است که با توجه به انشعابات فرقه‌ای شیعه و نیز مدعیان دروغین و کالت، آنچه بیش از همه اهمیت داشت، تثبیت امامت آن حضرت و ایجاد آگاهی عمومی به این امر بود و با توجه به رعایت تقیه شدید از سوی وکلای خاص حضرت، دیدارهای مستقیم نظیر دیدار با ابراهیم بن مهزیار و حسن بن وضاء از بهترین راه‌ها برای تبیین امر امامت و بطلان مدعیان دروغین مهدویت و امامت بود (عرفان، ۱۳۹۴: ۱۳۰).

۳. نتیجه‌گیری

رسیدن به مختصات ساختاری، محتوایی و روشی مطلوب برای مواجهه با انباشت شایعات گوناگون امری ضروری و انکارناپذیر است؛ چراکه سلامت ذهن و روان جامعه در گرو یک مقابله اطمینان‌بخش است. این پژوهش در پی آن بود تا با بررسی سیره معصومین علیهم‌السلام و آیات قرآن کریم تا حد امکان به این هدف کمک کند. برایند بررسی نمایانگر آن است که در سیاست‌گذاری‌های مبتنی بر سیره، علاوه بر مقابله با نقش مخرب شایعه‌سازان، تبدیل مخاطبان اثرپذیر به مخاطبان هوشمند و فعال در مواجهه با اخبار و شایعات مختلف باید مورد توجه ویژه قرار گیرد در غیر این صورت اکتفا به رویکردهای حداقلی و محدود و منحصر کردن ابعاد مبارزه به مقابله با شایعات موردی و مصداقی هر چند ممکن است در کوتاه مدت به حل یک مسئله و از بین رفتن شایعه رواج یافته بینجامد، اما در بلندمدت و

(محمد حسین دانش‌کیا، محسن فکری فلاح)

با هجوم شایعات دیگر، به واکنش‌های مضاعف نیازمند است. راهبردگذاری و راهکارگزینی مبتنی بر ارتقای سطح آگاهی مردم، زدودن ابهام و تعیین ضوابط پذیرش اخبار و گزارش‌های مختلف از جمله اقداماتی است که برای دستیابی جامعه به بلوغ معرفتی در مقابل انبوه شایعات سزاوار توجه است تا اجتماع هنگام مواجهه با شایعه‌ای رواج یافته توسط دشمن، دچار لرزه و تزلزل نشود و با ترفندشناسی اقدامات شایعه‌سازان و اتخاذ تدابیر لازم در برابر آن‌ها به‌نحوی با قطع زنجیره شایعه‌سازی، اقدامات لازم و بازدارنده در مقابل این گروه صورت گیرد تا از اثرگذاری شایعات بر اذهان جلوگیری نماید.

منابع و مآخذ

قرآن کریم

- نهج البلاغه، (۱۳۶۸). سید رضی، محمد بن حسین (گردآوری). ترجمه و شرح سید علی نقی فیض الاسلام. تهران: سازمان چاپ و انتشارات فقیه (تالیفات فیض الاسلام).
- آپورت. پستمن. (۱۳۷۴). **روان‌شناسی شایعه**. ترجمه ساعد دبستانی. تهران: سروش.
- ابن اعثم الکوفی، (۱۴۱۱). **الفتوح**. تحقیق علی شیری. بیروت: دارالأضواء.
- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۸ق). **عیون أخبار الرضا**. تهران: نشر جهان.
- بهرامی، محمد. (۱۳۸۳). «آسیب‌شناسی شایعه در قرآن». **پژوهش‌های قرآنی**. ۱۰ (۳۷-۳۸). صص: ۷۰-۹۵.
- جعفریان، رسول. (۱۳۸۱). **حیات فکری و سیاسی امامان شیعه (علیهم‌السلام)**. چاپ ششم. قم: انصاریان.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۳). **تفسیر تسنیم**. چاپ سوم. قم: اسراء.
- حاجی زاده، یدالله؛ صفری فروشانی، نعمت‌الله. (۱۳۹۹). «گمانه‌های جواز اباحه‌گری خطابی و مواجهه امام صادق (علیه‌السلام) با آن». **سیره پژوهی اهل بیت (علیهم‌السلام)**. دوره ۶. شماره ۱۱. صص: ۵۷-۷۳.
- حسینی طهرانی، سید محمد حسین. (۱۴۲۶ق). **امام‌شناسی**. چاپ چهارم. مشهد: علامه طباطبایی.
- حسینی علی‌آباد، سیدروح‌الله؛ ابوطالبی، مهدی. (۱۳۹۷). «نگاه قرآنی به «شایعه» و «شبهه»، دوروش نفوذ فرهنگی دشمن از طریق رسانه». **معرفت**. سال بیست و هفتم. شماره ۲۴۷. صص: ۵۹-۶۸.
- خنیفر، حسین؛ بردبار، حامد؛ زارعی، ریحانه. (۱۳۹۱). «بازکاوی روان‌شناختی شایعات سازمانی و ارائه راهکارهای کاربردی جهت کاستن آن». **راهبرد**. دانشگاه تهران. شماره ۷. صص: ۶۱-۸۲.
- دانش‌کجا، محمد حسین. (۱۳۹۳). **نگاهی دیگر به تاریخ در قرآن**. قم: نشر معارف.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). **مفردات ألفاظ القرآن**. بیروت: دارالشامیه.
- راوندی، قطب‌الدین سعید بن هبة‌الله. (۱۴۰۹ق). **الخرائج والجرائح**. قم: مؤسسه الامام المهدی (علیه‌السلام).
- طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۷۸). **المیزان**. ترجمه محمدباقر موسوی. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**. چاپ سوم. تهران: ناصر خسرو.
- طبری محمد بن جریر. (بی‌تا). **تاریخ الأمم والملوک**. بیروت: بی‌نا.
- عرفان، امیرمحسن. (۱۳۹۴). «شاخصه‌شناسی مواجهه ائمه (علیهم‌السلام) با مدعیان دروغین مهدویت». **انتظار موعود**. شماره ۵۰. صص: ۱۱۹-۱۴۶.
- غروی نائینی، نهله؛ نیل‌ساز، نصرت؛ پنه‌دانه‌زاده، فاطمه. (۱۳۹۱). «شایعه در قرآن و روایات و امنیت جامعه». **لسان صدق**. دوره ۱. شماره ۳. صص: ۱-۱۷.
- فراتی، محمدمهدی. (۱۳۹۵). «شایعه و شایعه‌پراکنی و راه‌های مقابله با آن از منظر قرآن و روایات». **پایان‌نامه سطح سه حوزه علمیه قم**. مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- قرشی، علی اکبر. (۱۳۷۱). **قاموس قرآن**. چاپ ششم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- قمی، علی بن ابراهیم. (۱۴۰۴ق). **تفسیر القمی**. محقق موسوی جزائری. چاپ سوم. قم: دارالکتاب.

(محمد حسین دانش‌کیا، محسن فکری فلاح)

- کشی، محمد بن عمر. (۱۴۰۴ق). *اختیار معرفة الرجال*. قم: مؤسسه آل‌البتین لإحياء التراث.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). *الکافی*. محقق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. چاپ چهارم. تهران: دارالکتب الإسلامية.
- کفش‌کنان، مردانی (گلستانی)، مهدی. (۱۳۹۳). «تحلیل تطبیقی نامه‌های امام علی (علیه السلام) به معاویه با آیات نفاق قرآن». *حدیث اندیشه*. دوره ۹، شماره ۱۸، صص: ۷۷-۱۰۰.
- مسعودی، علی بن حسین. (۱۴۰۹). *مروج الذهب*. قم: مؤسسه دارالهجرة.
- معارف، مجید؛ میرزایی، مجتبی؛ فراهانی، فاخره. (۱۳۹۳). «زمینه‌های شکل‌گیری شایعه و راهکارهای مقابله با آن از نگاه قرآن». *مطالعات روش‌شناسی دینی*. سال اول، شماره اول، صص: ۱۰۷-۱۲۱.
- مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*. قم: مؤسسه آل‌البتین.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الإسلامية.
- موسوی‌پور، سیدمحمدحسین. (۱۴۰۲). «آسیب‌شناسی روان‌شناختی شایعه و راهکارهای مواجهه با آن در قرآن کریم». *پژوهش نامه معارف قرآنی*. سال ۱۴، شماره ۵۳، صص: ۱۲۹-۱۶۸.
- نوری، حسین بن محمد تقی (محدث نوری). (۱۴۰۸ق). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. قم: مؤسسه آل‌البتین.
- یعقوبی احمد بن اسحاق. (بی‌تا). *تاریخ یعقوبی*. بیروت: دارصادر.
- یوسفی غروی، محمدهادی. (۱۴۱۷ق). *موسوعه التاریخ الاسلامی*. قم: مجمع اندیشه اسلامی.

Approaches to Confronting the Phenomenon of Rumor-Mongering in the Qur'an and Hadith

Mohammad Hossein Daneshkia ¹ Mohsen Fekrifallah ²

Received: July 29 , 2025

Revised: September 20 , 2025

Accepted: September 28 , 2025

Abstract

Gossip as a factor that disrupts social order and a threat to the intellectual security of the organization and society requires careful examination and in-depth pathology. In the face of this phenomenon, it is appropriate and necessary to achieve a model that is based on the teachings of the Quran and the character of the Infallibles (AS) as a written and embodied revelation. Therefore, the present study attempts to answer the question with a descriptive, analytical, and character-based approach: what was the basic method of the Infallibles (AS) in dealing with gossip and what strategy did they choose to deal with this phenomenon? The results of this study show that in the area of dealing with gossipers, providing intellectual and intellectual protection to society and in the area of dealing with gossipers, a deterrent approach was the most important strategy of the Infallibles (AS) against gossip.

Keywords: Seerah, Innocents, Rumor, Rumor Maker, Rumor Receiver, Rumor Spreading.

1. Associate Professor, Department of History of Islamic Culture and Civilization, Islamic Education University, Qom, Iran:Daneshkia@Maaref.ac.ir

2. PhD student in History of Islamic Culture and Civilization, Islamic Education University, Qom, Iran (corresponding author): mohsenfekrifallah@gmail.com